



مقام معظم رهبری:

## نباید اجازه داد حقایق دفاع مقدس فراموش یا انکار شود

پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی که در تاریخ هشتم مهر ۹۸ برگزار شده بود، روز پنجشنبه در محل این همایش در اراک منتشر شد.

صفحه ۲

شنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۸ • ۶ صفر ۱۴۴۱ • ۱۵ اکتبر ۲۰۱۹



رئیس فراکسیون امید در سفر ۲ روزه به قم:

## میثاق نامه طرح گفت‌وگوی ملی نهایی شده است

گروه سیاست:حضور دوروزه رئیس فراکسیون امید در قم، اخبار زیادی را به همراه داشت. محمدرضا عارف با چند نفر از مراجع تقلید و شورای مرکزی مجمع محققین و مدرسین حوزه دیدار کرد و از تهیه میثاق‌نامه‌ای برای پیشبرد...

صفحه ۲

سال هفدهم • شماره ۳۵۴۱ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

### سرمقاله

#### دیگر جای درنگ نیست

احمد غلامی . سردبیر



بازگشت مردم به «زست‌سیاست» کار دشواری است، اما این بازگشت برای همه جناح‌های سیاسی به یک اندازه در اولویت نیست؛ حتی برخی جناح‌ها از وضعیت موجود خرسندند، خاصه اصولگرایانی که چند دهه بر سیاست‌های منطقه‌ای ایران و نفوذ هرچه بیشتر آن پافشاری می‌کنند. در این جناح‌ها چندان دغدغه بازگشت مردم به سیاست وجود ندارد؛ آنان در یک چشم‌انداز کلی انتخابات حداقلی را می‌پسندند که مورد قبول جامعه جهانی هم باشد. اما برای اصولگرایان معتدل و اصلاح‌طلبان این‌گونه نیست. بازگشت مردم به زست‌سیاست برایشان برگ برنده‌ای در سیاست داخلی و خارجی است. اگر چه همه قوا در سیاست‌های راهبردی منطقه‌ای یک‌صدا و هم‌داستان هستند، اما نباید نادیده گرفت که اختلاف‌نظرها در چگونگی راهبردی‌کردن این سیاست و پیروزی جناح‌ها در انتخابات تا حدودی مؤثر است. برخی اصولگرایان زمانی دست بالا را پیدا کردند که دونالد ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ پیروز و یک‌سال‌ونیم بعد هم از برجام خارج شد. موضع‌گیری‌های او و بازگشت تحریم‌ها در قالب فشار حداکثری موجب شد سیاست‌های منطقه‌ای ایران از استتار خارج شود و همه جناح‌های ناهمگون در مقابل آمریکا صف‌آرایی کنند. نقطه قوت ایران در مقابله با تحریم‌ها، چیزی نبود جز بهره‌برداری از گسترش نفوذ در سوریه، عراق، لبنان و یمن. اگر تا به‌قدرت‌رسیدن ترامپ دو رویکرد بر سیاست‌های منطقه‌ای وجود داشت، بعد از پیروزی رئیس‌جمهور آمریکا این دوگانه، خواسته یا ناخواسته، الزاما به هم‌آوایی منجر شد؛ از سوی دیگر، اگر تا پیش از این، از قدرت منطقه‌ای ایران در نهادهای دیپلماتیک و امنیتی سخن گفته می‌شد، یکباره این نقش و نفوذ ایران در منطقه به محافل عمومی، صداوسیما و رسانه‌های جمعی راه یافت و صدای غالب شد. با این تفاوت که بعد از آن، همه بر این نکته تأکید کردند که سیاست‌های راهبردی منطقه‌ای جزء انکاره‌های امنیت و منافع ملی است. بی‌تردید با پذیرش کلی راهبرد سیاست‌های منطقه‌ای، جناح‌های سیاسی از انتقادهای حداقلی نیز سر باز زدند. اگر در دوره‌های پیشین تضارب آرا در این سیاست‌ها آتناکونیستی را خلق می‌کرد که به زست‌سیاست می‌انجامید، در این دوره جریان‌های سیاسی از رویکرد انتقادی امتناع می‌کنند مگر به شکل اجابایی. بعد از فشارهای حداکثری ترامپ، سیاست‌گذاران منطقه‌ای تصمیم گرفتند از حوزه نفوذ و توانایی‌شان در منطقه بهره‌برداری کنند. این امر زنگ هشدار به آمریکا و دیگر قدرت‌های منطقه بود. اما رفته‌رفته اقتدار و حوزه نفوذ ایران در منطقه برای مردم نیز عیان شد. از طرف دیگر، گردن‌کشی‌های رئیس‌جمهور آمریکا که در گفتارهای نوعی تحریک و تحقیر دیده می‌شد، موجب ایجاد تردیدی جدی در بین مردم به حسن نیت آمریکا در مذاکرات شد. این تردید حساسیت مردم را به سیاست‌های منطقه‌ای ایران بیشتر کرد تا آنان با دقت و عمق بیشتری این اتفاقات را رصد کنند؛ اما این دستاوردهای منطقه‌ای موجب آن نشد تا جناح‌هایی که سابقه و اثر بیشتری در این تحولات داشتند، در سیاست داخلی هم دست بالا را پیدا کنند. صرفا این دستاوردها بیش از هر چیز حائل و وجه افتراق بین اصلاح‌طلبان و برخی اصولگرایان شد. با اینکه اصولگرایان درصدد آن بودند که از دستاوردهای منطقه‌ای به نفع خود در سیاست داخلی بهره بگیرند، این اتفاق رخ نداد و آنان ناگزیر بیش‌ازپیش به این تفکر روی آوردند که در شرایط کنونی الزامی برای تقویت زست‌سیاست (توسعه سیاسی) وجود ندارد. گویا این سال‌ها همه‌چیز به ضرر اصلاح‌طلبان است. حوادث دی‌ماه ۹۶ بخت به آنان را در استعاره «اصلاح‌طلب، اصولگر، دیگه توموه ماجرا» عیان کرد و پس از آن نیز نفوذ منطقه‌ای ایران که اصلاح‌طلبان کمترین سهم را در آن داشتند، موجب انزواي بیشتر آنان شد. بی‌تردید این وضعیت به معنای پیروزی اصولگرایان، خاصه طیف رادیکال آن نیست...

ادامه در صفحه ۲

سازمان اموال تملیکی از متروکه‌شدن ذرت‌های آلوده خبر داد

# ضرب‌الاجل احیای ارزش‌های سوخت‌شده

سوزاندن ۱۲۵ هزار تن ذرت آلوده ۳ سال طول می‌کشد

صفحه ۵



بررسی نارضایتی ریش‌سفیدان سعودی از ولیعهد جوان در گفت‌وگو باصباح زنگنه  
بزرگان خاندان سعودی علیه بن سلمان  
نارضایتی خانواده سلطنتی ممکن است به احتمالات خشن‌تری منجر شود

صفحه ۱۵

### یادداشت

## حاشیه اخبار سرقت خانه نماینده

اخیر شکل گرفته است و حاصل میراث خانوادگی نیست. شهروندان می‌بینند که فرزندان گروه اول با وجود تلاش سرسخانه در مسابقه عظیم کنکور از ورود به برخی رشته‌ها محروم می‌شوند و با وجود شایستگی به انتخاب‌های چندم خود می‌رسند و هم‌زمان از قول فلان مقام رسمی خبردار می‌شوند که ۷۰ درصد ظرفیت رشته دندان‌پزشکی از طریق برخی سهمیه‌ها پر شده است. شهروندان هرگز در خبرهای مربوط به درگیری مدافعان مرزها با اشرا، خبر از جراحت یا اسارت فرزند فلان فرد منتف را نشنیده‌اند، گویی اشرار فقط به پاسگاه‌هایی حمله می‌کنند که فرزندان گروه اول در آن مشغول خدمت هستند! شهروندان حجم قابل توجه بی‌کاری جوانان تحصیل‌کرده و نخبه کشور را مشاهده می‌کنند و با کمال حیرت خبردار می‌شوند که وابستانک نسبی و سببی فلان فرد صاحب‌منصب با کمترین تحصیلات و تجربه بر «مرغوب‌ترین» صندلی‌های ریاست نشسته‌اند و فلان فرد منتف با کمال صداقت و اخلاص می‌گوید فرزندانم که در ایالات متحده تحصیل می‌کنند اگر به‌جایی رسیده و مقامی کسب کرده‌اند، حاصل تلاش خودشان بوده است! آنان مشاهده می‌کنند فلان فرد محترم و خدوم حتی برای خرید یک خودرو که فرزند نخبه و تحصیل‌کرده‌اش با آن به مسافرتی بپردازد، دچار زحمت است، اما آن‌دیگری که جزء گروه دوم است و شهروند خاص تلقی می‌شود، بدون اینکه وارث ثروتی خانوادگی باشد یا در سال‌های گذشته اختراعی به ثبت رسانده و امتیاز آن را فروخته باشد، چنان مکتبی به‌هم زده که برای تازه‌جوانانش خودروی گران‌قیمت خریداری می‌کند.

به قول شاعر:

یک جمع نکوشیده رسیدند به مقصد  
یک قوم دویدند و به مقصد نرسیدند  
همه این‌گونه مشاهدات که با چشم غیرمسلح در معرض تماشای شهروندان است، آنان را به این باور می‌رساند که گویی عده‌ای در صاحب‌منصبان کشور از طریق مناسبات مالی نادرست به ثروت و مکتی رشک‌برانگیز دست یافته‌اند.

ادامه در صفحه ۲

### یادداشت

## حکمرانی همکارانه با نهادهای غیردولتی

عمومی حاضر مورد تأکید قرار می‌گیرد. استدرا د و استیغای قدرت گرفته‌شده از اجتماع از سوی نهادهای واسطه باید در یک دوره گذار معقول و منعطف محقق شود. نهادهای بنیابین شهروندان و دولت مرکزی ازجمله شوراها و اصناف و سندیکاها و سازمان‌های مردم‌نهاد و نظام صنفی نقش این واسطه‌گری را بازی می‌کنند. دولت‌ها در این راه با پذیرش نقش حکمرانی تنظیمی و سازمان‌های تنظیم‌گر سعي در منظم‌سازی و متعادل‌کردن کارکردهای صنوف و اقشار می‌کنند. استقرار و تاسیس اجتماعات دائم و حرفه‌ای ارتباط با حاکمیت را ساختارمند و اثربخش می‌کند. بسیج تعداد زیادی از ذی‌نفعان در امر حکمرانی می‌تواند قوت و سرعت و اثر و کیفیت حکمرانی را ارتقا بخشد. این شیوه مدنی‌گرا، تمرکز بر نهادهای رسمی دولتی را تقلیل داده و حضور مدنی‌های غیردولتی را پررنگ‌تر می‌کند. تمایل به مشارکت‌جویی حوزه عمومی غیردولتی و خصوصی مستلزم شناسایی شخصیت‌های مستقل از دولت و سطحی از رواداری حکمرانی با پرهیز از نگاه انتظامی و بدبینانه به بخش مزبور است. ساماندهی روابط حقوقی در قالب ارگان‌ها و نهادهای خاص به‌ویژه حرفه‌ها و کسب‌وکارهایی که صاحبان آن عهده‌دار ارائه خدماتی به افراد جامعه هستند، می‌تواند یک جلوه از سعه صدر حکمروایی در توزیع صلاحیت‌ها و اشتراک اقتدار خود با نهادهای مدنی به منظور افزون‌سازی بهره‌وری باشد. به‌عنوان نمونه حمایت از محیط زیست و کودکان و اقشار آسیب‌پذیر و محرومان و توان‌خواهان و سالمندان می‌تواند با ایده حکمرانی همکارانه یوبیشی برای مشارکت و یاری شهروندان را تسهیل‌گری و زمینه‌چینی کند. نهادهای حرفه‌ای مانند کانون وکلا و نظام پزشکی در راستای دفاع از منافع شکلی اعضا و تنظیم امور حرفه‌ای ایجاد شده‌اند؛ اما از جنبه اجتماعی صاحبان حرفه‌های یادشده با ایجاد مجامع صنفی به‌عنوان نهادهای قدرتمند حرفه‌ای نقش واسطه‌ای ارزشمندی را در جامعه ایفا می‌کنند و به‌عنوان وزنه‌های تعادل میان آزادی‌های فردی و تحمیلات ناشی از قدرت عمومی دولت، توازن برقرار می‌کنند. کارویژه مثبت این روال، جلوگیری از اعمال قدرت بی‌چون‌وچرای دولت بر افراد است که تضییقات حکمرانی سنتی را کنترل کرده و حدود آزادی‌های شهروندان را نیز در قالب‌های نرم می‌ریزند؛ بنابراین مانع از آن می‌شوند تا آزادی‌های فردی، منافع عمومی را تحت‌الشعاع قرار دهد و از سوی دیگر به منزله ابزارهای مناسب به دولت‌ها کمک می‌کنند تا سیاست‌های مدنظر خود را در قالب تدابیر حرفه‌ای در جامعه به اجرا بگذارند...

ادامه در صفحه ۲

### تیتراها

در همایش فصلی خانه احزاب چه گذشت

## از محسن رضایی تا اعظم طالقانی

صفحه ۶

## ورود زنان به ورزشگاه این بار «بدون گزینش»

صفحه ۱۴

ده‌ها کشته و زخمی در اعتراضات ۴ روز گذشته عراق

## علیه دیوار سترگ فساد

صفحه ۷

## توضیح درباره یک گزارش

صفحه ۵

### گریز از تله بازیگری

گفت‌وگو با حمیدرضا آذرنگ

صفحه ۱۰



یادداشتی از علی ربیعی

## مادر م ایرانی است من هم ایرانی ام

تصویب لایحه تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، حاکی از درک اهمیت جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی نسبت به دیدگاه امنیتی است؛ دیدگاهی که مانع ناگفته به‌ثمرنشتن این ایده بود. برای ما در مجموعه دولت و فعالان سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه مدنی، مهم وجوه اخلاقی و انسانی پدیده بی‌شناسنامگی و اثر آن بر شخصیت فرزندان‌ای بود که همه ما در قبال زندگی و عزت‌مندی آنان مسئول هستیم. درعین‌حال، پدیده بی‌شناسنامگی یکی از دلایل اصلی ایجاد فقر مطلق بین افراد است؛ فقر حقوقی ناشی از بی‌شناسنامگی باعث محرومیت فرد از خدمات آموزشی، اجتماعی و درمانی شده و او را در ورطه فقر مطلق می‌اندازد. بی‌شناسنامه‌ها در ایران در سه دسته عمده می‌گنجد؛ افرادی که در مناطق صعب‌العبور زندگی می‌کنند، مشکوک‌التابعه‌ها و کسانی که حاصل ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی‌اند. با تلاش‌های ادارات ثبت‌احوال، دیگر افراد به دلیل زندگی در مناطق صعب‌العبور بی‌شناسنامه نمی‌مانند. با طرح‌های شناسایی فقر مطلق و اعطای شناسنامه به افراد محق، تعداد مشکوک‌التابعه‌ها نیز کم شده است؛ اما درباره فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، با پدیده‌ای افزایشی روبه‌رو بودیم. به دلیل ضعف قوانین اقامت و تابعیت در ایران، دستگاه‌های اجرائی توان مقابله با این پدیده شوم را از دست داده بودند. بسیاری از افرادی که مادر ایرانی آنها با مردی خارجی ازدواج کرده بود، بی‌شناسنامه می‌مانند. آنها به سن ازدواج می‌رسیدند و فرزند حاصل از ازدواج آنها نیز بی‌شناسنامه می‌ماند. به‌این‌ترتیب، پدیده بی‌شناسنامگی بین این افراد با سیری نمایی در حال رشد بود. این افراد دچار فقر ساختاری بودند. در سال ۱۳۸۵ نمایندگان مجلس شورای اسلامی ماده‌واحد‌ه‌ای را تصویب کرده بودند که به موجب آن، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی بعد از رسیدن به ۱۸ سال تمام، مشروط به ثبت ازدواج پدر و مادرشان، بتوانند درخواست تابعیت ایرانی بدهند؛ اما آن ماده‌واحد هیچ‌گونه حقوق شهروندی را برای این افراد تا ۱۸ سالگی قائل نشده بود. افراد بعد از ۱۸ سالگی هم فقط یک سال برای درخواست تابعیت ایرانی وقت داشتند. کاستی‌ها و سخت‌گیری‌های بیش از حد آن ماده‌واحد، نه تنها مشکلات فرزندان مادر ایرانی -پدر غیرایرانی را حل نکرد، بلکه آن را تشدید نیز کرد؛ چراکه بسیاری از افراد از حق دریافت شناسنامه محروم می‌مانند. با استقرار دولت دکتر روحانی و با نظر به دیدگاه‌های توسعه‌گرایان آن، در سال ۱۳۹۳ برای اولین‌بار لزوم مبارزه جدی با این پدیده شوم مدنظر قرار گرفت.

ادامه در صفحه ۴

### برادران گرامی آقابان سیدعلی و سیدصدرالحق

مصیبت درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض می‌کنم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزو مندیم.

مهدی رحمانیان